

پژوهش‌های ایرانی

زبور افزارهای باستانی قفقاز

نوشته: ش. گ. صدیق‌زاده

ترجمه: رضا مرادی غیاث‌آبادی



تهران ۱۳۹۱

سرشناسه: صدیق زاده، ش. گ.
عنوان و نام پدیدآور: زیورافزارهای باستانی قفقاز / نوشته س. گ. صدیق زاده؛
ترجمه رضا مرادی غیاث آبادی.
مشخصات نشر: تهران: رضا مرادی غیاث آبادی / پژوهش های ایرانی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۵۶ ص.: مصور (بخشی رنگی)، جدول.
شابک: 978-964-6303-47-8
فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Ancient Ornaments of Caucasus.
موضوع: زیورهای باستانی -- قفقاز
شناسه افزوده: مرادی غیاث آبادی، رضا، ۱۳۴۲ - ، مترجم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ / ۴۷ / ۳۷۵ / NK۷۳۷۵
رده بندی دیویی: ۷۳۹ / ۲۷۰ / ۱۴۷۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۵۳۹۲

زیورافزارهای باستانی قفقاز

نوشته: ش. گ. صدیق زاده

ترجمه: رضا مرادی غیاث آبادی



نشر و طرح

مترجم و پژوهش های ایرانی

لیتوگرافی و چاپ

طاووس رایانه / نقش طاووس

چاپ نخست ۱۳۹۱

۱۰۰۰ نسخه



همه حقوق محفوظ

نشانی صندوق پستی ۳۵۵-۱۳۱۴۵ تهران

تلفن پخش ۴۴۱۷۶۱۱۰ (۹۸۲۱)

www.ghiasabadi.com / reza@ghiasabadi.com

شابک ۸ ۴۷ ۶۳۰۲ ۹۶۴ ۹۷۸

۵۰۰۰ تومان

از همین نویسنده

- فرهنگنامه عکس ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۶
- نقشه باستانی ایران، چاپ چهارم، ۱۳۸۶
- نگاره‌های پیش از تاریخ ایران، ۱۳۷۶
- منشور کورش هخامنشی، چاپ نهم، ۱۳۸۹
- نیشته‌های پارسی باستان، ۱۳۷۷
- بیستون، کتیبه داریوش بزرگ، چاپ سوم، ۱۳۸۴
- رصدخانه خورشیدی نقش‌رستم، ۱۳۷۸
- رصدخانه نیمروز، ۱۳۷۸
- تخت جمشید، بنای میهنی ایرانیان و انجمن همپرسی ملی، چاپ سوم، ۱۳۹۰
- کتیبه‌های هخامنشی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹
- مجموعه مقاله‌های پژوهش‌های ایرانی، (شماره ۱)، ۱۳۸۰
- سرودهای از اوستا، چاپ سوم، ۱۳۹۱
- نظام گاشتماری، در چارتاقی‌های ایران، ۱۳۸۰
- نقش‌رستم و پاسارگاد، آرامگاه کورش هخامنشی، ۱۳۸۰
- مجموعه مقاله‌های پژوهش‌های ایرانی، (شماره ۲)، ۱۳۸۱
- ایران، سرزمین همپرسی آریاییان، چاپ سوم، ۱۳۸۴
- اوستای کهن و فرضیاتی پیرامون نجوم‌شناسی بخش‌های کهن اوستا، چاپ دوم، ۱۳۹۱
- ستاره‌شناسی تمدن‌های کهن، (همکاری)، ۱۳۸۳
- راه شیراز، ۱۳۸۳
- بناهای تقویمی و نجومی ایران، ۱۳۸۳
- خانه مادریزرگ، ۱۳۸۳
- راهنمای زمان جشن‌ها و گردهمایی‌های ملی ایران باستان، چاپ دوم، ۱۳۸۷
- زادروز فردوسی، ۱۳۸۴
- جشن‌های مهرگان و سده، ۱۳۸۴
- نوروزنامه، پنجاه گفتار در زمینه پژوهش‌های ایرانی، ۱۳۸۶
- تمدن هخامنشی، چاپ دوم، ۱۳۸۹
- کتیبه خارک در خلیج فارس، ۱۳۸۸
- اسپیت‌نامه، بیست و دو گفتار در زمینه جشن‌ها و پژوهش‌های ایرانی، ۱۳۸۸
- چارتاقی‌های ایران، ۱۳۸۹
- ایران چیست؟ طرح مسئله پیرامون نام‌های آریا، ایران و فارس، ۱۳۹۰
- فراهان‌نامه، نگاهی به فرهنگ و آداب و رسوم مردم فراهان، ۱۳۹۰
- فرهنگنامه ایران باستان، ۱۳۹۱
- گوی بالدار: نشان خورشید، شاهین و اهورامزدا، ۱۳۹۱
- درآمدی بر شکل‌گیری مناسبات مدنی جوامع باستان و غلبه سلطه‌گری، ۱۳۹۱

پیشگفتار

مردمان شرق باستان به ویژه در عصر مفرغ و عصر آهن دلبستگی فراوانی به زیورافزارهای گوناگون و پر نقش و نگار داشته‌اند. آنان نه تنها از انواع و اقسام کانی‌های رنگین برای آرایش خود استفاده می‌کرده‌اند، که با بهره‌گیری از فلزاتی که به تازگی بدان دست یافته بودند، زیورآلات متنوعی می‌ساخته‌اند که تقریباً تمامی سطح بدن آنان را از نوک پا تا فرق سر می‌پوشانده است.

در بهره‌گیری از زیورافزار هیچ تفاوتی میان زنان و مردان نبوده است و همه آنان به یکسان از تمامی زینت‌های ممکن و موجود استفاده می‌کرده‌اند. اما در این میان «کمربند» یک استثناء بشمار می‌رود و منحصر به مردان بوده است. کمربند علاوه بر اینکه بخشی از پوشاک مردانه بوده، نشانه و شاخصی برای موقعیت و مقام اجتماعی یا نظامی مردان بوده است.

بازمانده‌های مواد رنگین آلی و کانی که در بزرگ‌سایه‌های موجود در گورها به دست آمده است، نشان‌دهنده بهره‌گیری توانمندان زنان و مردان از آرایه‌های رنگی است. آنان همچنین از انواع فلزاتی همچون مس، مفرغ، نقره، طلا و آهن برای ساخت زینت‌ابزارهای متنوعی بهره می‌برده‌اند. این اشیای زینتی شامل طیف گسترده‌ای از زیورآلاتی متناسب با بخش‌های گوناگون اندام آدمی می‌شده است: تاج، نیم‌تاج، دیهیم، پیشانی‌بند، شقیقه‌بند، گوشواره، سنجاق سر، لوله‌های دوازده‌گانه برای انتهای گیسوان بافته‌شده، یقه‌بند، سینه‌بند، گردنبند،

مدال و نشان، دکمه، سگک، قلاب، سنجاق، سوزن، کمربند، پابند و خلخال، بازوبند، مچ‌بند، انگشتر، انگو، دستبند و آویزه‌هایی به اشکال گوناگون حیوانات، پرندگان، تبرزین، هلال ماه، ستاره، خورشید و اشکال هندسی.

یکی از جالب‌ترین زیورآلات بسیاری از مردمان باستان، زنگوله‌هایی فلزی و زیبا بوده است که هم مردان و هم زنان بر گردن یا گیسوان خود می‌آویخته‌اند و بر خلاف امروز مختص به حیوانات نبوده است.

بهرغم کاوش‌های گسترده‌ای که در بسیاری از تپه‌ها و گورستان‌ها و گورخانه‌های باستانی ایران و کشورهای مجاور انجام شده، اما تاکنون کمتر به ارائه گزارش‌هایی مستند و طبقه‌بندی شده از زیورافزارهای بدست‌آمده پرداخته شده است. با توجه به این کمبود، نگارنده تصمیم گرفت کتاب مصوری را که حدود چهل سال پیش منتشر شده و به معرفی دستاوردهای هیئت‌های کاوش روسیه در قفقاز جنوبی می‌پردازد به فارسی برگردان و منتشر نماید. به این امید که اهتمام بیشتری به انتشار گزارش‌های مشابه در این زمینه بشود.

پژوهش‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسان روسیه در منطقه قفقاز که در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی انجام گرفت، منجر به کشف و شناسایی ابزار و ادواتی شد که مردم این منطقه در سده‌های پایانی هزاره دوم و سده‌های آغازین هزاره یکم پیش از میلاد ساخته بوده‌اند. این یافته‌ها برای تمامی دانشمندانی که در مورد چگونگی زندگی مردم این منطقه در دوران باستان تحقیق می‌کنند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. گروه‌های باستان‌شناسی فعال در قفقاز، تحقیقات خود را بطور کاملاً سازمان‌یافته و منظم انجام داده‌اند و بخش اعظم اکتشافات و گزارش‌های حفاری را به موزه تاریخی مسکو و موزه هریمیتاژ در سن‌پترزبورگ فرستاده‌اند.

ابزارهای کشف‌شده در طی چندین فصل کاوش، بیانگر رشد بسیار سریع نیروهای تولیدی و سازندگی در جامعه باستانی حدود سه هزار سال پیش بوده است. برای نمونه، کشاورزی با کج‌بیل به سرعت جای خود را به

کشاورزی و شخم زدن با گاو آهن می دهد. مردمان به زندگی نیمه صحرایی روی می آورند و بردن گله به چراگاه ها و بازگرداندن آنها را می آموزند. آنان بزودی می توانند دانش خود را برای بهره گیری از فلزات و ساختن آلیاژهای متنوع از آنها بکار گیرند. چنین کاری در جوامع آنروز در خور تحسین و تمجید فراوان است. مفرغ که آلیاژی از مس و قلع است و در حرارت پایین تری از مس ذوب می شود دارای سختی و مقاومت بیشتری در قیاس با مس خالص است. در نتیجه از آن برای ساختن ابزار فلزی جدیدتر و پایدارتر استفاده می شود.

نواوری های جدید در این زمینه منجر به ابداع چرخ سفالگری و رونق صنعت و هنر سفالگری شد. دامداری و به ویژه پرورش گاو موجب افزایش ثروت و تنوع دارایی ها شد. از این رو می توان چنین استنباط کرد که آنچه در گورهای مردان و زنان پیدا شده، دارای نشانه های تفاوت طبقاتی است. ابزارآلات و زیورافزارهای گوناگونی که در برخی از گورها وجود داشته، نشان دهنده ثروت آن شخص بوده است. در حالیکه در بسیاری از گورهای دیگر ابزارهای ساده تر و کمتری پیدا شده که نشان دهنده فقر صاحب قبر بوده است. در گورهای زنان و مردان ثروتمند که معمولاً بر فراز تپه ها و در تابوت های سنگی قرار داشته اند، می توان نمونه هایی از زیورآلات زرین، مفرغی، آهنی، استخوانی، صدفی، سنگ های زینتی و نیز از جنس نوبتانی معدنی (سنگ سرمه) را همراه با لوازم روزمره زندگی مشاهده کرد.

پس از مشاهده و بررسی این یافته های گوناگون و متنوع، و با دقت در شیوه های ساخت و تولید آنها به این نتیجه می رسیم که صنایع دستی در آن دوران با سرعت زیادی در حال رشد بوده است. شاهکارهای ماهرانه ساخت برخی از آنها و به ویژه ابزارهای متنوع فلزی، آدمی را به این واقعیت شگفت رهنمون می سازد که انسان آن روزگار کاملاً از خصوصیات آلیاژها مطلع و آگاه بوده و از آنها برای ساختن وسایل گوناگون با کاربردهای متنوع استفاده می کرده است. کاربردهایی که گستره وسیعی از ابزارهای شغلی و زراعت،

زیورافزارهای باستانی قفقاز

جنگ‌افزار، ظرف‌ها، اسباب‌خانه، زیورآلات و آرایه‌ها را در بر می‌گرفته است. آنان از توتیای معدنی نیز زیورافزار درست می‌کردند و در اوایل هزاره نخست پیش از میلاد با آهن آشنا می‌شوند.

معادن مس، توتیای معدنی و سنگ آهن در منطقه قفقاز وجود داشته است اما به نظر می‌آید که قلع را از مناطق دیگر و در طی مبادلات تجاری به منطقه وارد می‌کرده‌اند.

تولید آلات و ادوات فلزی موفقیت‌های چشمگیری را در فرایند اشتغال به فعالیت‌های فلزگری به وجود آورد. فعالیت‌هایی همچون ریخته‌گری، قلمزنی، ضرب سکه، پرس صفحات فلزی، صیقل‌کاری و غیره. آنان از فلزات سخت برای ساختن قالب استفاده می‌کردند اما ریخته‌گری با موم هم رایج بود. بیشتر اشیای زینتی که از فرم و شکل پیچیده‌ای برخوردار هستند، با همین شیوه ساخته شده‌اند. چرا که بیشتر این زیورافزارها با اینکه شباهت‌های کلی به یکدیگر دارند، اما دقیقاً شبیه هم نیستند.

مردمان قفقاز از مواد معدنی و کانی‌ها نیز برای ساخت زیورافزار بهره می‌برده‌اند. مهمترین این کانی‌ها عبارت بودند از: عقیق جگری، عقیق سرخ و زرد، عقیق ساده، سنگ یشم، درّ کوهی، یاقوت زرد، و نیز سنگ‌های معمولی که برای ساخت و زینت زیورآلات بدلی از آنها استفاده فراوان می‌شده است. آشکارا پیداست که این سنگ‌ها پس از خرد شدن و صیقل داده شدن، به نگین‌های زیبا تبدیل می‌شده‌اند.

سُفت‌گری یا سوراخ‌کردن مهره‌های سنگی به وسیله مته فلزی و یا سوزن مسی دو سر که دارای الماس بوده، انجام می‌پذیرفته است. قلمزنی روی قطعات کوچک نقره‌ای در این دوره مرسوم بوده و برای ساختن زیورآلاتی به شکل سر اسب استفاده می‌شده است. این سر اسب‌ها دارای سوراخی نیز بوده‌اند که به واسطه آنها ریسمانی را عبور داده و بر بدن می‌آویخته‌اند. حکاکی چشمان اسب‌ها نیز با قلمزنی روی نقره انجام می‌شده است.

با اینکه بیشتر آثار پیداشده در کاوش‌های قفقاز بومی منطقه هستند، اما شکل تزئینات و شیوه‌های ساخت برخی از آنها نشان می‌دهد که از مناطق شرقی، جنوبی و یا از بین‌النهرین وارد شده‌اند. معدن اصلی عقیق صورتی‌رنگ نیز در شمال و جنوب قزاقستان بوده است که از آنجا وارد می‌شده و برای ساخت اشیای لازم بکار بسته می‌شده است. اما گزارش‌ها و تحقیقات زمین‌شناسان نشان می‌دهد که در منطقه «شکی» در قفقاز میانی نیز معدن این نوع عقیق وجود دارد.

گوناگونی و تنوع حیرت‌انگیز این زیورافزارها و بررسی دقیق طرح‌های بسیار زیبای زینتی آنها می‌تواند اطلاعات ارزشمند و مستندی را در اختیار دانشمندان و باستان‌شناسانی بگذارد که در حال تحقیق در مورد چگونگی فرهنگ و پیشرفت‌های هنری جوامع باستان هستند. تنوع این زینت‌آلات که دارای اشکال گوناگون جانوران هستند، آدمی را به این نتیجه می‌رساند که آنان نه تنها از فرهنگ مادی، که از دانش اقتصادی و اندیشه‌ورزی خاصی نیز برخوردار بوده‌اند.

پیکره‌های کوچک بز، گاوهای نر، آهو، اسب و پرندگانی که از آنها بصورت آویز استفاده می‌شده است؛ حاکی از اعتقادات و باورهای مذهبی و آیینی آنها به خدایان و بخصوص به خورشید است. علاوه بر این، نشان دادن اشکال نقاشی‌شده و یا برجسته‌کاری شده حیوانات و پرندگان بر روی کمربندها، سگک‌ها و دیگر چیزها، حاکی از کوشش و اعتماد به انتقال نیرو و توانایی آن حیوانات بر بدن خود است.

النگوها، دستبندها، گردنبندها و پیشانی‌بندهایی که به شکل گاو نر، شیر، مار و بره ساخته شده‌اند، در حکم سپر و محافظی در برابر نیروهای پلید و حوادث ناشناخته بوده است. نمایش و ارائه این حیوانات و پرندگان گواه بر ذوق و سلیقه هنری و زیبایی‌شناختی مردمان باستانی قفقاز دارد که در اواخر عصر مفرغ و آغاز عصر آهن زندگی می‌کرده‌اند.

اغلب این زیورافزارها مزین به اشکال متنوع حیوانات و یا اشکالی هندسی از قبیل لوزی، ماریچ، مثلث، مربع، خطوط موج و خطوط شبکه‌ای بوده‌اند. مردمان قفقاز رویدادهای طبیعی و کیهانی را پرستش می‌کرده‌اند و در نتیجه سامان اعتقادی از این نمادها را برای خود بوجود آورده بوده‌اند که هر کدام نشانگر پدیده‌ای در طبیعت بودند. خطوط موج نشان رودخانه، دایره‌ها نشان و نماد خورشید، خطوطی به صورت هفت و هشت نشانگر پرتوهای خورشید و اشکال و علائم دیگری که بر چگونگی و هنجارهای روابط آیینی آمیزشی دالت می‌کند.

این زیورآلات در پیرامون اسکلت‌ها در گورها به دست آمده است. قرار گرفتن هر کدام از آنها در جایی در اطراف اسکلت، نشان‌دهنده مکان آن در اندام آدمی و کاربرد و طرز استفاده از آن است. بعضی از آنها در جمجمه یا استخوان‌های بازو و یا در سینه و انگشت‌ها پیدا شده‌اند. بعضی از آنها فقط جنبه زینتی داشته‌اند (مثل النگوها، انگشترها و گردنبندها)؛ بعضی دیگر هم ضمن تزئینی بودن، بخشی از پوشاک نیز به حساب می‌آمدند (مثل کمربندها، قلاب‌ها، سنجاق‌ها و دکمه‌ها). با نگرین و نگاه دقیق به این اشیا و طرز قرار گرفتن آنها آدمی می‌تواند تا حدی پوشاک و آرایش آن مردمان را در نزد خود مجسم کند و یا حتی بازسازی نماید.